

مسولان در استراحتگاه تابستانی مظفرالدین شاه

نخستین آسایشگاه مسولین ایران در شاه‌آباد شمیران دایر می‌شود. شاه‌آباد همان استراحتگاه تابستانی مظفرالدین میرزا، ولیعهد ناصرالدین شاه، است که از کودکی با بیماری‌های مختلف درگیر بوده است. طبیبان در سال ۱۲۷۳ خورشیدی یکی دو سال پیش از رسیدن به سلطنت، تشخیص می‌دهند که او احتمالاً مبتلا به سل است و باید در جایی خوش آب و هوا استراحت کند. پس از بررسی نقاط مختلف تهران، قریه دارآباد برای اسکان مظفرالدین شاه انتخاب می‌شود. در ادامه، علی اصغرخان اتابک اعظم باغ بزرگی را به مساحت ۲۶۰ هزار مترمربع در این روستا می‌خرد و به دستور محمدخان حکیم‌الملک، وزیر دربار، عمارت زیبایی بر آن بنا می‌شود که به کاخ شاه‌آباد معروف می‌شود. شاه بیمار بیشتر زمان حکومتش را در این کاخ و کاخ تابستانی صاحب‌قرانبه می‌گذراند. پس از مرگ مظفرالدین شاه، کاخ شاه‌آباد در اختیار اداره حفظ‌الصحه عمومی قرار می‌گیرد و باتوجه به آب‌وهوای منطقه به آسایشگاهی برای بیماران مسلول تبدیل می‌شود. وقایعی چون به توپ بستن مجلس، فتح تهران، جنگ جهانی اول و کودتای سال ۱۲۹۹ سبب می‌شود کاخ شاه‌آباد بدون استفاده رها شود. سال ۱۳۱۰ یک پزشک تیشابوری الاصل به اسم مسیح دانشوری تصمیم می‌گیرد کاربری این کاخ را تغییر دهد. در آن زمان، سل یکی از بیماری‌های شایع ایران است، به‌ویژه در مناطق محروم. دکتر دانشوری ابتدا مدرسه پرستاری ویژه‌ای را در کاخ مظفری شاه‌آباد راه‌اندازی می‌کند، اما ایده اصلی اوساخت یک بیمارستان برای کمک‌به‌ریشه‌کنی بیماری سل و دیگر بیماری‌های ریوی است. او از بسیاری از اعضای وزارت بهداری و اشخاص خبری چون فخرالدوله امینی، دختر مظفرالدین شاه، دعوت می‌کند که ساختمان‌های این بیمارستان را تکمیل کنند. سرانجام آسایشگاه و بیمارستان مسولین تهران، ساعت ۵ بعدازظهر روز ۲۴ مرداد ۱۳۱۶ با حضور محمود جم، رئیس‌الوزرا و حسن اسفندیاری، رئیس مجلس شورای ملی، در شمال کاخ صاحب‌قرانبه تهران با عنوان آسایشگاه شاه‌آباد رسماً افتتاح می‌شود.

اولین انجمن حمایت از مسولین ایران

با تلاش‌های دکتر دانشوری و فعالیت آسایشگاه شاه‌آباد، توجه‌ها به بیماری‌های تنفسی از جمله سل جلب می‌شود. در سایه همین توجه‌ها هم هست که «انجمن مبارزه با سل و حمایت از مسولین» در سال ۱۳۲۳ راه‌اندازی می‌شود تا اعضای آن ضمن حمایت از مسولان، روش‌های پیشگیری از سل را نیز آموزش دهند. اعضای سی نفره این انجمن برای درمان افراد مسلول، یک مرکز درمانی دیگر به نام «بیمارستان بوعلی» را در تهران تأسیس می‌کنند. در ادامه با گسترش فعالیت‌های انستیتوپاستور در ایران، مبارزه مؤثری علیه بیماری‌های کشنده عفونی مانند هاری، وبا، طاعون و سل آغاز می‌شود و در سال ۱۳۲۶ خورشیدی برای نخستین بار در ایران، واکسن ب‌ت‌ز، زیرنظر دکتر مهدی قدسی تولید می‌شود.

مشهد و بیماری سل

تأسیس بیمارستان امام‌رضا^(ع) به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین بیمارستان در شرق کشور و حضور پزشکان خارجی در آن، کمک بسیار بزرگی برای گسترش علم پزشکی در مشهد و مداوای بیماری‌های گوناگون است. پیشنهاد ایجاد مکانی ویژه مسولان مشهد در نخستین بار سیگفرید هامرشلاخ (هامرشلاک)، طبیب آلمانی، مطرح می‌کند که در سال ۱۳۱۳ خورشیدی برای طبابت در بیمارستان شاه‌رضای مشهد به ایران مهاجرت کرده است. او که پس از دکتر معاهد به ریاست این بیمارستان نیز منصوب می‌شود، در ۱۳ خرداد ۱۳۲۱ طی نامه‌ای به نایب‌التولیه آستان قدس رضوی از سل ریوی به عنوان یکی از بیماری‌های فراوان در مشهد یاد می‌کند و تأسیس بیمارستان مسولین را پیشنهاد می‌دهد. او در این نامه چنین می‌نویسد: «فراوانی بیماری‌های سلی، مخصوصاً سل ریوی در مشهد ایجاب می‌نماید که امکان نظر بیشتری به این قسمت شود و توجه وزارت بهداری به لزوم مبارزه با سل ریوی در این شهرستان، جلب شود. آمار بیمارستان شاهرضا و مشاهدات عمومی پزشکان آزاد مشهد که در مجمع ماهیانه کانون پزشکان (مشهد) نیز بارها تأیید شده و این مسئله را مدلل می‌سازد و تردیدی نیست که بیماری سل در مشهد از هر شهرستان دیگری بیشتر است. همواره عده‌ای بیمار مبتلا به سل ریوی به این بیمارستان مراجعه می‌کنند که به واسطه فراهم نبودن وسایل معاینه، ناچار عذر آنان خواسته می‌شود، بنابراین استعفا می‌شود که لزوم تأسیس یک تیمارگاه مبارزه با سل ریوی را در این شهرستان به وزارت بهداری تأکید فرمایند که هرچه زودتر بودجه کافی برای مبارزه با این آفت اجتماعی تأمین شود، البته در این تیمارگاه، ممکن خواهد شد که مسولین را تا آنجایی که خطر سرایت آنان مرتفع شود، معالجه نموده و منظور بهداشتی وزارت بهداری را تأمین کرد و این خود خدمت مهمی است که از این حیث به اهالی مشهد و این استان خواهد شد.» او در جای دیگری از این درخواست، یادآوری می‌کند: «ضمناً این بیمارستان هم به واسطه دارا بودن لوازم و وسایل کافی رادیولوژی، ممکن است به این تیمارگاه از حیث معاینات و تشخیص مسولین و پیشرفت معالجه آنان هم‌راهی نموده، اشکال مهم و اساسی هزینه فوق‌العاده را که در تأسیس تیمارگاه مبارزه با سل موجود است، از عهده وزارت بهداری بردارد. عملیات تا موقعی که مقدمات کار فراهم شود، مستدعی است اسناد فرمایند (از حضور) آقای دکتر حسین اسدی، بازرس بهداری استان نهم که تحصیلات خود را در اروپا مخصوصاً در معالجات سلی نموده و معلومات کافی از این حیث دارد و فعلاً در خدمت وزارت بهداری است، استفاده نمایم و به آستان قدس انتقال دهند که اقلاً در مطب عمومی این بیمارستان تا موقعی که مقدمات تأسیس تیمارگاه فراهم شود، با وسایل فعلی تا آنجایی که ممکن است، به مداوا و تسکین حال مسولین که مراجعه می‌نمایند، پردازد، البته چند سال طول می‌کشد تا پیشنهاد طبیب آلمانی و تأسیس تیمارگاه مسولین مشهد با تلاش دکتر سیدموسی حجازی که ریاست پزشکی قانونی وقت مشهد را بر عهده دارد، جامه عمل بپوشاند.

نگاهی به شکل‌گیری جمعیت حمایت از بیماران مبتلا به سل در خراسان و ساخت بیمارستان مسولین مشهد

سرسلسله مهار «سل»



پزشک اداره حفظ‌الصحه عمومی، در حال معاینه یک زن. طبق پژوهش‌های دکتر ویلم فلور، پژوهشگر معاصر تاریخ دوره قاجار، بیماری سل در ابتدای دهه ۱۳۰۰ خورشیدی یکی از علل مهم مرگ‌ومیر در ایران است.

حسین بیات در تقویم‌ها امروز، روز کشف درمان بیماری سل است؛ بیماری کشنده‌ای که پیشینه آن در جهان به دوره باستان می‌رسد، البته در تمدن‌های کهن، سل فقط یک ناخوشی شناخته می‌شود، اما بعدتر پزشکیان چون بقراط، جالینوس، رازی، ابن‌سینا و اطبای هند، چین و مصر، سیمای بالینی این بیماری را در نوشته‌های پزشکی خود به شکلی دقیق تر تبیین می‌کنند، با این‌همه عامل عفونی این بیماری تا دهه‌های پایانی سده نوزدهم میلادی که «روبرت کخ» باسل سل (باکتری‌های میله‌ای شکل عامل بیماری) را کشف می‌کند، همچنان ناشناخته می‌ماند. بر همین اساس، درباره گستردگی و میزان مرگ‌ومیر بیماری سل در ایران، در چند سده اخیر دانسته‌ها بسیار اندک است، اما طبق پژوهش دکتر ویلم فلور، پژوهشگر معاصر تاریخ دوره قاجار، بیماری سل در تهران این دوره و سایر شهرهای ایران بسیار شایع بوده، به‌طوری‌که در شروع قرن گذشته، یکی از علل مهم و اصلی مرگ‌ومیر مردم به‌شمار می‌رفته است. این‌گونه است که انستیتو پاستور ایران به منظور بهینه‌سازی بخش پیشگیری و درمان در سال ۱۲۹۹ خورشیدی دایر می‌شود. با روی کار آمدن پهلوی اول، رئیس‌صحبه مملکتی که زیرنظر وزارت داخله فعالیت می‌کند، به سال ۱۳۱۱ خورشیدی پیشنهادهایی برای مهار سل مطرح و اعلام می‌کند که تنها راه پیشگیری از این بیماری، تزریق واکسن ب‌ت‌ز در هفتمین روز تولد نوزاد است و تزریق آن باید در یک‌سالگی و دوسالگی تکرار شود. حتی توصیه می‌شود در انستیتوپاستور ایران، بخش تهیه واکسن ب‌ت‌ز تأسیس شود. درباره اجرای سراسری چنین پیشنهادهایی در آن زمان، سند و مدرکی در دسترس نیست، اما پس از ورود مفاهیم نوین علمی به پزشکی کشورمان، به تدریج پزشکان ایرانی هم درصدد مبارزه با سل برمی‌آیند که دکتر سیاوش شقاقی، دکتر مسیح دانشوری، دکتر صادق پیروز عزیزی، دکتر محمدعلی نشروودی و دکتر مهدی قدسی، از پیشاهنگان مبارزه با این بیماری در ایران، هستند. در مشهد هم این مهم در ابتدای دهه ۳۰ و با حضور فرد نازنینی چون دکتر سیدموسی حجازی و تأسیس بیمارستان مسولین رقم می‌خورد.

درباره اقدامات کمکی شهرداری برای مسولان مشهدی

نگاه مردم و دستگاه‌های مسئول مشهد به بیماری سل، بعد از تأسیس و فعالیت انجمن «جمعیت حمایت مسولین خراسان» در زمستان ۱۳۲۸ تغییر چشمگیری پیدا می‌کند. اقدام این انجمن برای ساخت آسایشگاه صدوپنجاه تخت‌خوابی مسولین مشهد، سبب می‌شود افراد زیادی از مصائب بیماران مسلول مشهدی باخبر شوند. بیماران مسلول تا پیش از این تاریخ همان‌طور که سیگفرید هامرشلاخ (هامرشلاک)، طبیب آلمانی و رئیس بیمارستان شاه‌رضای مشهد، در نامه خرداد ۱۳۲۱ خود به نایب‌التولیه وقت آستان قدس رضوی توضیح داده است، به‌دلیل فراهم نبودن وسایل معاینه، عذرشان خواسته می‌شود و به‌نوعی از بیمارستان بیرون رانده می‌شوند. تنها محل مراجعه بیماران مسلول ایران، آسایشگاه شاه‌آباد و بیمارستان بوعلی تهران است. این‌گونه است که بسیاری از بیماران مسلول تا ساخته شدن آسایشگاهی در شهر یا دیار خود به‌ناچار مدت‌ها دور از خانه و زندگی تحت درمان قرار می‌گیرند. در کنار این موضوع، درمان بیماری سل نسبتاً گران است و بیماران بسیاری استطاعت پرداخت هزینه‌هایش را ندارند. در چنین اوضاعی، هزینه‌های درمانی مسولان، به دستور وزارت کشور از محل ۳ درصد بهای فروش تریاک کشاورزان تأمین می‌شود. در سال ۱۳۳۰ شهرداری‌ها هم پای کار می‌آیند و هرکدام بخشی از هزینه‌های دارویی بیماران شهر خود را متقبل می‌شوند، از جمله شهرداری مشهد که هم به بیماران مشهدی بستری در تهران کمک می‌کند و هم مسیر را برای تکمیل آسایشگاه نیمه‌تمام مسولین مشهد هموار می‌کند.

عبدالوهاب اقبال، شهردار مشهد، در ۶ مرداد ۱۳۳۰ با صدور نامه‌هایی به دوایر مختلف شهرداری، ضمن اطلاع‌رسانی درباره فعالیت‌های «جمعیت حمایت مسولین خراسان» و آسایشگاهی که در نوجاه می‌سازند، از کارمندان بخش‌های مختلف شهرداری می‌خواهد که هرکس به‌قدر قوه، مبلغی از حقوقش را به کمک به بیماران مسلول اختصاص دهد. این‌گونه است که ۷۵۰ ریال از حقوق کارمندان در ۲۱ مهر ۱۳۳۰ به حساب «جمعیت حمایت مسولین خراسان» واریز می‌شود.

خود شهردار مشهد در تاریخ ۳۰ مهر ۱۳۳۰ با نوشتن نامه‌ای به انجمن شهر، از اعضای آن می‌خواهد که برای تأمین هزینه ساختمانی و سایر نیازمندی‌های نگاه «جمعیت حمایت مسولین خراسان»، تصمیمی بگیرند. ● دکتر ناظری، رئیس آسایشگاه شاه‌آباد، ۵ آبان ۱۳۳۰ در نامه‌ای از اقبال، شهردار مشهد، می‌خواهد که شهرداری مشهد نیز همچون شهرداری‌های رشت، لنگرود، اسفهان، کرمانشاه، همدان و چند شهر دیگر، مبلغی برای خرید داروی بیماران شهر مشهد در نظر بگیرد. تعداد بیماران مشهدی این آسایشگاه در هنگام نگارش این نامه، ۲۳ نفر است. مشابه همین نامه را هم بیمارستان بوعلی به شهرداری و انجمن شهر مشهد می‌نویسد. ● وزیر کشور آبان ۱۳۳۰ مجوز این امر را صادر می‌کند که شهرداری هر محل باتوجه به تعداد مسولان بستری که در تهران دارد، مبلغی به‌عنوان کمک در نظر بگیرد و با نظر وزارت بهداری با جمعیت مبارزه با سل و حمایت مسولین، به بیماران بستری در آسایشگاه‌های شاه‌آباد و بوعلی پرداخت کند. ● انجمن شهر مشهد پس از مجوز اداره امور شهرداری‌های وزارت کشور و درخواست‌های بیماران مسلول در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۳۰ تصویب می‌کند مادامی که بیمارستان مسولین مشهد، حاضر (تکمیل) نشده است، به هر یک از بیماران مسلول بی‌بضاعت اهل مشهد که در بیمارستان بوعلی و آسایشگاه شاه‌آباد تهران تحت معالجه هستند، ماهی سیصد ریال و حداکثر به سی مسلول از طرف شهرداری مشهد پرداخت شود. انجمن شهر بلافاصله بعد از تصویب این کمک‌هزینه، برای جلب مشارکت دیگر نهادها هم تلاش می‌کند؛ از جمله با آستان قدس رضوی نامه‌نگاری می‌کند تا کمک و مساعدتی هم از این سمت صورت بگیرد. ● پس از تصویب انجمن شهر مشهد، شهرداری برای هرکدام از ۳۳ بیمار مشهدی بستری در بیمارستان بوعلی تهران، ۲۰ تومان واریز می‌کند تا به‌عنوان کمک‌دارویی ماه‌های آذر، دی، بهمن و اسفند ۱۳۳۰ لحاظ شود. مشابه همین مبلغ را هم برای بیماران مشهدی بستری در آسایشگاه شاه‌آباد واریز می‌کند که البته تعدادشان به سی نفر نمی‌رسد. این کمک‌هزینه از این تاریخ به بعد برقرار است و شهرداری مشهد هر ماه (گاهی دو یا سه‌ماهه) بنا بر فهرستی که رؤسای آسایشگاه‌های تهران ارسال می‌کنند، به بیماران مشهدی کمک می‌کند، کمک‌هایی که تا شروع به کار بیمارستان مسولین مشهد و انتقال بیماران به آنجا، همچنان برقرار است.

موسی‌خان حجازی کیست؟

دکتر سیدموسی حجازی، معروف به طبیب اعظم، متولد سال ۱۲۵۶ خورشیدی، فرزندرضاقلی‌خان مستوفی، از دولتمردان دوره ناصرالدین شاه است. مدت حضور و فعالیت‌های پزشکی او در تهران معلوم نیست، اما در زمان حکومت علی‌نقی میرزا رکن‌الدوله است که به مشهد دعوت می‌شود. حجازی پس از ورود به ارض اقدس، بانی طرح‌های بهداشتی و فرهنگی بسیاری می‌شود که بخشی از آن‌ها چنین است: در سال ۱۲۹۳ «هیئت خیریه معارف‌خواهان» را برای عمومی‌کردن تحصیلات و افزایش سطح سواد جامعه تشکیل می‌دهد. در سال ۱۲۹۵ به ریاست طبیبی دارالشفای حضرت رضا^(ع) منصوب شده، در بهار سال ۱۲۹۹ نیز مدیر این دارالشفای می‌شود. او همچنین در سال ۱۲۹۸ به عضویت انجمن بلدیه ارض اقدس درمی‌آید و سپس ۲۱ شهریور ۱۳۰۸، به سمت دکتر قانونی اداره عدلیه، تعیین می‌شود. دکتر حجازی در دوران حضورش در مشهد، به فکر ایجاد و توسعه زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی در این شهر می‌افتد. بر همین اساس، ابتدا سه محکمه در سه نقطه شهر برپا می‌کند و همچنین شعبه‌ای از دارالشفای را در طرفه دایر می‌کند. او سال ۱۳۱۶ نیز بر آن می‌شود که بیمارستانی برای بیماران اعصاب و روان بسازد. دغدغه مبتلایان به بیماری سل، یکی دیگر از دغدغه‌های اوست که وادارش می‌کند برای درمان این گروه نیز اقدام کند.

همت خیران مشهدی و تشکیل جمعیت حمایتی

مرض سل در مشهد و شهرستان‌های استان نهم، عده بی‌شماری از اهالی را مبتلا و روزگارشان را تیره می‌سازد. مبتلایان به این مرض، بیشتر اشخاص فقیر و مردمانی هستند که به علت فقر و تنگدستی در خانه‌های مرطوب و تاریک و کم‌هوا زندگی می‌کنند و قادر به معالجه و مبارزه با مرض سل نیستند. از همه مهم‌تر، آزادی مبتلایان و بی‌احتیاطی آن‌ها، دیگران را نیز مبتلا می‌کند و به راه نیستی و مرگ قطعی سوق می‌دهد. این‌گونه است که سال‌به‌سال با شیوع مرض سل در مشهد که جمعیت آن از سایر نقاط کشور زیادت‌تر است و جمعیت موقتی آن نیز افزوده می‌شود، شمار افراد مبتلا به مرض سل هم افزون‌تر می‌شود. بر اثر تذکر و اهتمام مداوم دکتر حجازی، اعضای جمعیت نیکوکاران خراسان و دیگر خیران مشهد، در درهم جمع می‌شوند تا مشهد پنج سال بعد از تهران صاحب انجمن حمایت از مبتلایان به بیماری سل شود. نام انجمن، «جمعیت حمایت مسولین خراسان» انتخاب می‌شود و اولین جلسه رسمی آن با حضور دکتر حجازی، علی‌مؤمن رئیس انجمن شهر، دکتر سیدابوالقاسم قوام، حسن میرعمادی، دکتر حسن اقتخاری، دکتر سامی‌راد، عبدالوهاب اقبال، عمادتریتی، دکتر میثم‌امادی، دکتر باعداد، عبدال... کوثر و فروتن به عنوان دوازده عضو مؤسس در تاریخ ۱۴ دی ۱۳۲۸ برگزار می‌شود. در ادامه مؤیدثابتی سناطور، روحانی فرماندار مشهد، پیشکار دارایی استان نهم، دکتر کمک افضلی رئیس بهداری استان نهم، دکتر بوتارو رئیس بیمارستان شاه‌رضا، دکتر اسدی، دکتر محمود ضیایی، اسد... قهرمان، مهندس گریابی، حاج عباس توکلی و حاج محمود عبداللهیان به جمع اعضای «جمعیت حمایت مسولین خراسان» اضافه می‌شوند.

تکمیل بیمارستان بعد از مرگ بان

جمعیت حمایت مسولین خراسان بنا دارد در همه امور مربوط به مسولان نقش بیافریند، برای همین به آسایشگاهی نیاز دارد که مسولان مشهد را برای معالجه در آنجا جمع کند. ابتدا واقف بزرگ مشهد، حاج حسین آقای ملک، ۲۵ هزار مترمربع از زمین‌های وکیل‌آباد را برای ساخت این آسایشگاه اهدا می‌کند، اما پس از تفحص مشخص می‌شود که زمین‌های مزرعه‌نوحه ملکی حاج عباس توکلی برای این امر مناسب‌تر است. او ۲۵ هزار مترمربع از این اراضی را که از نظر محل و آب‌وهوا برای ساختمان آسایشگاه مناسب است، به جمعیت اهدا و تقبل می‌کند یک لوله دو اینچی آب پاکیزه دست‌نخورده هم از مخزن قنات نوحه برای استفاده عمارت آسایشگاه اختصاص بدهد. نقشه آسایشگاه بوعلی تهران که مهندس فروغی ترسیم کرده و ساخته است - بدون هزینه - برای آسایشگاه صدوپنجاه تخت‌خوابی مسولین مشهد انتخاب می‌شود، اما خود ساخت آسایشگاه که قسمتی از آن دوطبقه و قسمتی سه طبقه است، به مشارکت و اعتبار فراوان نیاز دارد. هیئت دولت در سال ۱۳۲۸ تصویب نامه‌ای وضع می‌کند مبنی بر اینکه از ۳ درصد بهای تریاک کشت کشاورزان به ساخت آسایشگاه‌های مسولین کمک شود. آسایشگاه مسولین مشهد در سال‌های ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ از این بابت، مبلغ ۲۰۵ هزار و ۴۴۹ تومان کمک دریافت می‌کند. جمعیت مشهد علاوه بر این به دنبال استفاده از اعتبار پیش‌بینی شده در سازمان برنامه و بهره‌برداری از عوارض پاکات پستی و تلگرافات خراسان (به تقلید از تهران) است و به مساعدت اهالی و نیکوکاران خراسان، چشم دوخته است.

تا تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۳۰ برای ساخت آسایشگاه ۱۲۱ هزار و ۵۱۹ تومان هزینه می‌شود، اما تکمیل طبقه اول و دوم ساختمان آن چنان که گزارش عملکرد دوساله جمعیت حمایت مسولین می‌گوید، به ۵ میلیون ریال نیاز دارد و تکمیل تمام ساختمان و متعلقات آن ۱۰ میلیون ریال اعتبار می‌خواهد. از آنجا که تا پایان سال ۱۳۳۱ مسولان مشهد همچنان در آسایشگاه شاه‌آباد شمیران یا بیمارستان بوعلی تهران بستری بودند، به نظر می‌رسد که تکمیل و افتتاح بیمارستان مسولین مشهد که امروز با نام «دکتر شرعی» شناخته می‌شود، مربوط به سال‌های بعدی باشد؛ یعنی بعدتر از ۲۳ مرداد ۱۳۳۲ که دکتر حجازی هفتادوشش‌ساله دار فانی را وداع می‌گوید و طبق وصیتش، در حیطات بیمارستان مسولان به خاک سپرده می‌شود.